

دلبستگی: انجیل و خانواده های ما

انجیل و والدین

دکتر دیوید پلات

1 جون 2008

## انجیل و والدین

### افسیان 6: 1-4

اگر انجیل دارید و امیدوارم که داشته باشید دعوتتون می کنم با من افسسیان باب 6 رو باز کنین. از همین اول کار بگم که در جلسه ی امروز به موارد زیادی از کلام باید پردازیم و صادقانه بگم پرداختن به کلام هیچ وقت تمومی نداره. پس بی مقدمه شروع می کنیم.

تا دارین افسسیان باب 6 رو پیدا می کنین می خوام آمار جدید رو باهاتون در میون بگذارم. تحقیقات جدید نشون داده که 80 درصد بچه هایی که در کلیسا بزرگ میشن سال دوم دانشگاه دیگه به کلیسا برنمی گردن.

به عبارت دیگه 8 نفر از 10 بچه بعضی ها میگن 9 نفر از 10 بچه ایی که اینجا هستن وقتی 20 ساله بشن کلیسا رو ترک خواهند کرد.

مشکلی وجود داره. و به خاطر این مشکل باید درباره ی انجیل و بزرگ کردن بچه ها حرف بزنیم. درباره ی انجیل و انتقالش به نسل های بعدی.

### سه اصل اساسی

چالس اینه که چطور در یک جلسه و یک موعظه این مسئله رو بررسی کنیم. پس می خوام برای شروع بحث 3 اصل اساسی رو بهتون بگم و بعد افسسیان 6: 1-4 رو بررسی می کنیم.

کلام خدا کافی است

اصل شماره ی یک 'کلام خدا کافیسست'. این نقطه ی شروع تمام پیغام هامونه؛ انجیل و زن بودن' انجیل و ازدواج و حالا انجیل و بزرگ کردن بچه ها. از همین اول اعتراف می کنم من متخصص امور زنان و ازدواج نیستم' در مورد اینکه چطور بچه بزرگ کنیم هم هیچ تخصصی ندارم.

منظورم اینه که' من تازه 15 ماهه که پدر شدم و چند تا کتاب خوندم درباره ی تربیت بچه' ولی هنوز خیلی چیزها هست که درباره ی پدر بودن' باید بدونم. پس با توجه به این موضوع از همین اول هشدار میدم که بدونین موقعیت های متفاوتی در بحثمون شاید پیش بیاد و امیدوارم خوشحال بشین که بدونین من هیچ مسئولیتی برای نصیحت کردن شما برای تربیت بچه هاتون' حس نمی کنم. چون هدف من این نیست.

هدفم در اختیار گذاشتن نظرات شخصیم درباره ی تربیت بچه ها هم نیست. هدفم باز کردن کلام خداست که حقیقته و اساس تربیت بچه هاست و تا جایی که میشه می خوام به کلام نزدیک بشم. می خوام بهتون یادآوری کنم وقتی خدا کلامش رو به ما داد می دونست داره چه کار میکنه. فکر نمی کنم بعدا فکر کرده: ای کاش یک نسخه ی اصلاح شده و تکمیلی از عهد جدید می دادم' که درباره ی رفتار والدین با نوجوون ها و نوزادان در قرن 21 مطالب بیشتری می داشت.

خدا چیزی که لازم داریم رو بهمون داده' و به همین دلیل اهمیت این کلمات انقدر زیاده. ما احتیاج داریم بدونیم کلام درباره ی والد بودن و تربیت بچه چی گفته. می دونم به محض اینکه این رو گفتم والدینی هستن که فکر می کنن" خوب' بچه ی من اینطوری رفتار می کنه یا نوجوون من اونطوری شده' و واعظ عزیز واقعا جای تشکر داره که به این موضوع می خوای بپردازای ولی لاویان و اول و دوم تواریخ درباره ی این موقعیت ها که ما توش گیر کردیم' خیلی چیزی نگفته."

در حقیقت' من یک کم پا رو فراتر می گذارم و میگم اعتقاد دارم این کتاب برای جواب دادن به این سوالات شما نیست. در زندگی شخصی خودم' نوزاد 6 ماهه ام تا هفته ی پیش خیلی خوب می خوابید ولی الان نیمه های شب بیدار میشه و حبوق به ما نمیگه که بچه رو چطور تو تختش بخوابونیم که بیدار نشه. حبوق زمینه ی لازم برای پاسخگویی به ما رو نداره.

به هر حال کلام به همین شکلی که هست برای ما کافیه و لطفا این رو فراموش نکنین. در جلسه ی قبل درباره ی وابستگی ناسالمی که به کتاب ها و سمینارها و متخصصین' برای

پیدا کردن جواب درباره ی ازدواج و خانواده امون پیدا کردیم' حرف زدیم. اصلا منظورم این نیست که کتاب ها و سمینارها و متخصصین بد هستند.

حرفم اینه که گذشتن از کلامی که برای ما کافیه' و رفتن به سمینارها و ملاقات با متخصصین' خطرناکه. می دونم که میگین" دیوید! همین الان گفتمی کلام جواب سوال هاتون رو درباره ی تربیت بچه ها نداره." ولی کلام برای یک چیز جواب داره. مادر- پدرهای عزیز دقت کنین! چیزی که می خوام بگم تو کتاب هاتون نیست ولی نکته ی کلیدی بحث ماست.

مهمترین کاری که می تونین برای بچه هاتون بکنین اینه که در عیسی مسیح رشد کنین و هر روز بیشتر شبیه اون بشین. لاویان' اول و دوم تواریخ و حبقوق برای این هدف نوشته شده. تمام هدف کتاب مقدس اینه که خدا و عده داده تا شما رو برکت بده تا به شباهت مسیح دربیاید و بچه های شما احتیاج دارن که مسیح رو درون شما ببینن تا یک مشاور روانشناس رو. در نتیجه ما نباید از این کلام به راحتی بگذریم چون برای زندگی و عبادت ما کافیه و به ما میگه که چطور پدر - مادری باشیم. من نمیگم از منابع دیگه کمک نگیرید ولی کنار گذاشتن تنها کلامی که بهش احتیاج دارین' و استفاده از منابع دیگه' در نهایت باعث گرسنگی روحانی خودتون و بچه هاتون میشه. کلام برای ما کافیه.

پس هر وقت در تربیت بچه ها با مسائلی روبرو شدین که جوابی براش نداشتین' به لاویان و حبقوق بی توجهی نشون ندین. هدف کلام شبیه کردن شما به مسیحه پس به کلام بی توجهی نکنین. کلام خدا برای ما کافیه.

### **خانه مرکز همه چیز است**

اصل دوم' خانه مرکز همه چیزه. به عنوان شبان یک کلیسای آمریکایی در قرن 21 باید از شما در مقام والدین عذرخواهی کنم. در عصری زندگی می کنیم که همه چیز تخصصی شده و تلاشمون اینه که برای مسئولیت های خودمون به عنوان پدر و مادر هم افرادی رو استخدام کنیم. می خوایم پسرمون در ورزش پیشرفت کنه' شخص حرفه ای رو استخدام می کنیم که مهارت های لازم رو بهش یاد بده. می خوایم دخترمون به بهترین کالج بره براش معلم خصوصی می گیریم که کمکش کنه نمره های بهتری بگیره.

حالا به شکل دیگه حتی می خوایم تو کلیسا هم این رو پیاده کنیم. می خوایم بچه هامون مسیحی های خوبی باشن' خادم جوانان و کانون شادی رو براشون استخدام می کنیم تا این

کار رو برای ما انجام بدن. چیزی که امروز از کلام یاد می‌گیریم اینه که از آغاز پیدایش قوم خدا، خدا بهشون نشون داد که محیط خونه مرکز شکل گرفتن حقیقت خدا و انتقالش از نسلی به نسل دیگه است. و با روشی که ما پیش گرفتیم در خانواده هامون، حتی در کلیسا، به این باور رسیدیم که ما داریم خانواده‌ها رو تشویق می‌کنیم که مسئولیت زندگی بچه هاشون رو به خادمین کانون شادی و جوانان بسپرن تا مسئولیت‌های والدین رو اونها انجام بدن.

می‌خوام که خیلی خوب گوش کنین. اول از همه وظیفه‌ی خادمین کانون شادی نیست که به بچه‌های شما بشارت بدن، این وظیفه‌ی شماست. وظیفه‌ی خادمین جوانان نیست که از بچه‌های شما شاگرد بسازن، این وظیفه‌ی شماست و ما نمی‌تونیم روند شاگردسازی در خانواده رو به کانون شادی و جلسه‌ی جوانان و مدرسه‌ی الاهیات واگذار کنیم. شما عامل اول شاگردسازی بچه‌هاتون هستین.

خیلی باید مراقب باشیم چون این ما هستیم که این مسئله رو ایجاد کردیم. به همین خاطر من عذرخواهی کردم. به همین خاطر میگم که باید توبه کنیم چون ما این طرز فکر رو ایجاد کردیم. وقتی به کلیسا میاین و میگین "بچه‌ها برن کانون شادی و نوجوون‌ها برن سر کلاس خودشون" و برای این کار خادمینی هم داریم، درسته با صدای بلند نمی‌گیم ولی در واقع عملکردمون داره میگه "ما از بچه‌های شما مراقبت می‌کنیم. ما در رابطه با بچه‌ها حرفه‌ای هستیم و شما لازم نیست تو خونه این کارها رو بکنین." این اشتباهه، کاملاً غیر کتاب مقدسی و بی‌تاثیره چون منظور خدا از شاگردسازی این نیست.

می‌خوام والدین رو تشویق کنم امروز. شما همه چیز رو برای شاگرد کردن بچه‌هاتون در اختیار دارین. شما لازم نیست دانش آموخته‌ی مدرسه‌ی الاهیات یا الاهیدان باشین تا کتاب مقدس رو با بچه‌هاتون بخونین و باهاشون دعا کنین و بهشون یاد بدین چطور با خدا قدم بزنن. این مسئولیت شماست و باید با هم برای انجامش تلاش کنیم. می‌دونم که این در قلب خادمین کانون شادی و جوانان هم هست. ما باید در کنار هم تلاش کنیم تا مطمئن بشیم که خدمت کانون شادی و جوانان در این کلیسا برای تجهیز شماست تا از بچه‌هاتون شاگرد بسازین.

خیلی عجیبه، نه! اصطلاحی درباره‌ی رشد کلیسا دهن به دهن می‌چرخه؛ اگر می‌خواین کلیساتون رشد کنه، سه راه دارین: پارکینگ، کانون شادی، موعظه. یعنی به همین ترتیبی که گفتم اگر فضای خوبی برای پارکینگ در اختیار داشته باشین، کانون شادی فعالی هم داشته باشین و خوب هم موعظه کنین، تعداد اعضای کلیساتون رشد میکنه. این کلیسا قرار نیست

اینطوری رشد کنه. ما قرار نیست کلیسامون رو بر پایه ی هیئت بهترین خادمین کانون شادی و جوانان جهان بنا کنیم که کارشون دزدیدن مسئولیت والدین از اونهاست. مسئولیتی که خدا به عهده اتون گذاشته تا به بچه هاتون یاد بدین چطور مسیح رو پیروی کنن.

ولی من به چیزی که کلام امر کرده اعتقاد دارم. بعضی از شماها حتما فکر می کنین "دیوید" این خیلی خوبه ولی والدین این کار رو نمی کنن. والدین به اندازه کافی مجهز نیستن. واقعا این انتظار درستی از والدینه؟" اگر کتاب مقدس از والدین انتظار داره که این کار رو بکنن پس حتما لازمه که والدین این کار رو بکنن.

و وظیفه ی ماست که والدین رو تشویق کنیم. باز هم حتما این سوال براتون پیش میاد که "پس بچه هایی که والدین ایماندار ندارن چی میشن؟" سوال خیلی خوبیه. می خوام از یک استاد بشارت دادن براتون نقل قول کنم 'آلوین رید در مدرسه ی علوم دینی گفت' افزایش تعداد خادمین تمام وقت جوانان در طول تاریخ همراه با کاهش شدید بشارت در میان جوانان بوده."

پاسخ من اینه که شبان جوانان لازم نیست. می دونین چرا؟ چون بچه هایی که والدین ایماندار ندارن' احتیاجی هم ندارن هر چند وقت یک بار جلال مسیح رو در مراسم مرکز جوانان' ببینن. اونها باید جلال مسیح رو در خونه هایی که تمام هفته و آخر هفته اشون رو توش می گذرونن' ببینن. اونها باید پدر و مادری رو ببینن که بچه هاشون رو دوست دارن و بهشون یاد میدن چطور مسیح رو پیروی کنن. و اینطوری ایمان به نسل های بعدی منتقل میشه.

آمار 8 بچه از 10 بچه و خدمت کانون شادی و جوانان باید ما رو به این حقیقت برگردونه که خانه در نقشه ی خداوند برای رسوندن انجیل به همه ی جهان' نقش اساسی و مرکزی داره. این زنگ خطر. این زنگ خطر برای والدینه. دیگه بیشتر از این نمیشه مسئولیت شاگردسازی بچه هامون رو به گردن دیگران بندازیم. خانه مرکز همه چیز است و کلام خدا برای ما کافیهست.

### **انجیل ضروریست**

اصل سوم' انجیل ضروریه. امیدوارم در طول این جلساتی که در کلیسامون داریم برای همه امون باز بشه که انجیل پایه و اساس تمام جنبه های زندگی ماست. انجیل فقط این نیست

که به موعظه گوش بدیم و دعا کنیم و به ادامه ی زندگیمون برسیم. انجیل پایه و اساسه. دوست دارم به این فکر کنین که چرا اساس تربیت بچه ها و پدر-مادری کردن 'انجیله.

انجیل به پدر و مادر و بچه ها چه کاری داره؟ به دو دلیل خیلی کارها می تونه داشته باشه: یک' چون انجیل تنها منبع نجات ماست. در جلسه ی قبل درباره ی این حرف زدیم که چطور با ازدواج' دو گناهکار با هم یکی میشن. و حالا که داریم به تربیت بچه ها می پردازیم می خوام بهتون یادآوری کنم که وقتی کوچولوتون دنیا میاد' با ذات گناه آلود متولد میشه. اصلا دلم نمی خواد زیبایی اون لحظه رو در ذهنتون خراب کنم ولی این واقعیه.

لازمه که به همه ی والدین یادآوری کنم' معنی این حرف اینه که فرزند شما با میل طبیعی به گناه متولد میشه. اونها میل به گناه کردن دارن و حدس بزنین دیگه چه کسی میل به گناه کردن داره؟ شما. شما والدین عزیز. حالا اگر این دو معادله رو کنار هم بگذاریم' می بینیم که تو چه دردمندی افتادیم. اگر بخواین بدون انجیل به این معادله ها نزدیک بشین نتیجه ای جز نا امیدي نخواهید دید.

انجیل اون چیزیه که تو کتاب ها' کنفرانس ها و سمینار های متخصصین پیدا نخواهید کرد. با مطالب و متون متفاوتی روبرو میشین که برای ترویج فلسفه ی خاصی از این ور- اون ور جمع آوری شده' ولی خبری از انجیل نیست و انجیل برای ما ضروریه. انجیل سرچشمه ی نجات ماست. نیاز اساسی بچه های ما اینه که از گناهانشون نجات پیدا کنن.

و این مشکل' درونیه. می تونیم وقتمون رو برای پیدا کردن مشکلات رفتاری تلف کنیم. می تونیم برای درست کردن ظاهر این مشکل کلی وقت صرف کنین. تا وقتی که اون مشکل درونی خودش رو نشون بده و اون وقته که برای تربیت بچه ها به بن بست می رسیم.

انجیل برای ما لازمه چون ما به قلب های جدید احتیاج داریم. بچه هامون هم به قلب های جدید احتیاج دارن' نجات از مجازات گناه و دعا کردن کافی نیست برایشون. وقتی فرزندی به مسیح ایمان میاره هنوز هم می تونه از مسیر منحرف بشه. هنوز هم تمایل به نا اطاعتی رو خواهد داشت.

ما به انجیل فقط به عنوان منبع نجات نیاز نداریم' بلکه انجیل منشاء تبدیل ما هم هست. افسسیان 5: 18 ' آیه ای که چکیده ی کل موضوع این باب هست' میگه " ... از روح پر شوید." روحی که در شماست توسط انجیل شما رو تبدیل می کنه. بچه های ما باید این رو

درک کنن. ولی آیا ما خودمون درک کردیم؟ آیا می دونیم ما به عنوان والدین نمی تونیم بدون روح او تبدیل بشیم. بدون روح خداوند و بدون کار عیسی مسیح در ما توسط انجیل.

بنابر این هیچ کدوم از بچه های ما بدون روح خداوند در درونشون نمی تونن به افسسیان باب 6 عمل کنن. مهم نیست چقدر بهشون یاد داده باشیم که خوب باشن' تا زمانی که روح خدا بهشون تعلیم نده' یک جای کار ایراد داره. برای همین به انجیل احتیاج داریم' و لازمه که بچه هامون رو بارها و بارها از انجیل پر کنیم.

بله' بهشون بگین چقدر خوبن' ولی کمکشون کنین که بفهمن در عمق وجودشون و این که "چه کسی هستن؟" طبیعت گناه آلودی هست که خودشون به تنهایی از پشش بر نمیان و به مسیح نیاز دارن. این طرز فکر کاملا نقطه ی مقابل فرهنگ جامعه ی ماست. بچه هامون به انجیل و به مسیح نیاز دارن. همه ی ما نیاز داریم. و برای تربیت بچه ها انجیل یک ضرورت به حساب میاد.

پس با توجه به این سه اصل' کلام برای ما کافیه. خانه مرکز همه چیزه و انجیل ضروریه. بریم باب 6 افسسیان رو با هم بررسی کنیم. در حین بررسی فرمان های خداوند به والدین و فرزندان در این باب' این سه اصل بیشتر براتون باز میشه.

از آیه ی 1 شروع می کنیم: "ای فرزندان' از والدین خود در خداوند اطاعت کنین' زیرا کار درست این است. "پدر و مادر خود را گرامی دار" که این نخستین حکم با وعده است: "تا سعادتمند باشی و بر زمین عمر طولانی کنی." ای پدران' فرزندان خود را خشمگین مسازید' بلکه آنها را با تعلیم و تربیت خداوند بزرگ کنید." (افسسیان 6: 1-4)

خوب کاری که می کنیم اینه که از آخر به اول این پاراگراف میایم. اول با اقتداری که خداوند به والدین در منزل داده' شروع می کنیم و بعد به وظایف بچه ها می رسیم. پس اول درباره ی فرمان خدا به والدین حرف می زنیم بعد درباره ی فرمان خدا به فرزندان.

فرمان خدا به والدین در آیه ی 4 اومده. در هر 4 آیه روی والدین تاکید شده. در آیه ی 4 واژه ای که برای "پدران" در زبان اصلی به کار رفته واژه ایه که در عبرانیان باب 11 و کولسیان باب 3 به کار رفته و هم به پدر و هم به مادر اشاره داره. پس کلام نمیگه "پدران این کار را بکنین' و مادران فعلا با شما کاری نداریم در این قسمت." خطاب به هر دوی والدین این فرمان داده شده' ولی تصویری در پایان باب 5 از مرد به عنوان شوهر یا پدر به

ما داده شده که او سر خانه و رهبر خانواده است. طبق افسسیان باب 5 مسئولیت رهبری کردن' مسئولیت فردی نیست.

پس پولس میگه " پدران " و مفهومش اینه که بله' والدین و پدرها' در این مورد شما هدایت کننده هستین. " ای پدران' فرزندان خود را خشمگین مسازید' بلکه آنها را با تعلیم و تربیت خداوند بزرگ کنید. "(افسسیان 6: 4). با این فرمان بررسیمون رو شروع می کنیم.

## والدین...

### خدا به خاطر فیضش فرزندانان را به شما بخشیده

کلمه ی والدین یعنی چی؟ با این جمله شروع می کنیم' خدا بر اساس فیضش فرزندانان رو به شما داده. والدین' پدرها' مادرها' به خاطر فیض خداست که بچه هاتون رو دارین. و دوباره درست مثل افسسیان باب 5. بخش آخر آیه ی 4 میگه " آنها را با تعلیم و تربیت خداوند بزرگ کنید. "

آیه ی 1 باب 6 " از والدین خود در خداوند اطاعت کنین. " این جمله یک جورایی ختم کلامه. محور اصلی این جمله خداست. و داره میگه بچه های شما متعلق به شما نیستن بلکه متعلق به خداوند هستن که به شما واگذار شدن. ما میزبان اونها هستیم. و خدا بر حسب فیضش در دادن این بچه ها' به ما اعتماد کرده.

### خداوند برای جلال یافتن خودش فرزندانان را به شما بخشیده

نه تنها اونها رو به خاطر فیضش بلکه به خاطر جلال یافتن خودش. بچه ها رو به ما داده. اینجاست که می بینیم موعظه ی جلسه ی گذشته منتقل شده به افسسیان باب 6. در جلسه ی قبل گفتیم' ازدواج بیشتر از اینکه برای شما مسئله ی مهمی باشه برای خدا مهمه. در این جلسه میگیریم که تربیت بچه ها بیشتر از اینکه برای شما مهم باشه برای خدا مهمه.

به شما اعتماد شده تا بچه هایی که خدا رو دوست دارن و خدا رو جلال میدن بزرگ کنین. بچه هایی که برای خدا غیرت دارن و زندگیشون رو در تعریف اینکه خدا کیست؟' می بینن. خدا به خاطر فیضش و برای جلال خودش بچه ها رو به ما میده. این خیلی مهمه ولی فرهنگ جامعه ی ما به تربیت بچه به این صورت نگاه نمی کنه. می خوام موضوع رو براتون ساده کنم. می خوام با توجه به چیزی که دنیا درباره ی تربیت بچه و هدف از تربیت بچه میگه' بهتون بگم تربیت بچه ها چه چیزی نیست.



اول از همه هدف تربیت کردن بچه ها از دیدگاه کتاب مقدس کمک به بچه هاتون برای داشتن تحصیلات عالی نیست. هدف این نیست که فرزند شما بهترین نمره ها رو بیاره و به بهترین دانشگاه ها بره. البته به هیچ وجه نمیگم تحصیلات بده. حتی منظورم این نیست که نقشی در تشویق بچه هامون برای استفاده ی درست از ذهن و هوشی که خدا بهشون داده نداریم. تا چند دقیقه دیگه درباره ی نقش والدین در تحصیل بچه ها هم حرف خواهیم زد ولی هدف تربیت بچه از دیدگاه کتاب مقدس فراهم کردن بهترین موقعیت تحصیلی نیست.

دوم: هدف تربیت بچه ها از دیدگاه کتاب مقدس کمک به بچه ها برای اینکه ورزشکار حرفه ای بشن نیست. مسئله ی مهم و اولویت در تربیت بچه ها این نیست که در همه ی ورزش هایی که بازی می کنن بهترین باشن. هدف این نیست که بچه ها رو در حالی که نفس نفس می زنن دور شهر بچرخونین تا با بقیه رقابت کنن و جایزه هایی رو برنده بشن که قراره تو زیرزمین خونه هاتون خاک بخورن. هدف کتاب مقدس این نیست.

همچنین هدف تربیت بچه ها از دیدگاه کتاب مقدس رفتن سر قرارهای آنچنانی نیست. در جلسه ی بعد درباره ی مجرد بیشتر صحبت می کنیم ولی با اطمینان بهتون میگم هدف کتاب مقدس از تربیت بچه ها کمک به اونها برای اینکه چطور در آینده طلاق باشکوهی داشته باشن نیست. وارد شدن به رابطه ای در زندگیشون که با شخص دیگه ای رابطه ای متعهدانه منحصر به فرد بسیار رومانتیک و حتی بعضی وقت ها همراه با رابطه ی جنسی برقرار کنن تا بعد از یکسال بهم بزَنَنش و برن سراغ نفر بعد. این اصلا مورد تایید کتاب مقدس نیست و ما هم نباید باهانش موافقت کنیم.

هدف تربیت بچه ها از دیدگاه کتاب مقدس کمک به اونها برای داشتن شغل عالی نیست. همچنین هدف تربیت بچه ها از دیدگاه کتاب مقدس کمک به بچه ها برای اینکه پول زیادی دربیارن نیست. اصلا منظورم این نیست که این چیزا بده و باید ازشون دوری کنیم. منظورم اینه که این موارد رو که بگذاریم کنار هم به تعریف دنیا از موفقیت می رسیم. دنیا موفقیت رو اینطور تعریف می کنه.

نمونه ی نوجوان موفق در دنیا کیه؟ کسی که ورزشکار خوبیه باهوشه یک دوست دختر خوب داره و قراره برای ادامه ی تحصیلاتش به یک کالج معتبر و معروف بره تا یک زندگی عالی بسازه. همه چیزش برنامه ریزی شده و حساب شده است. این تعریف موفقیت در فرهنگ جامعه ی ماست حتی در کلیسا هم چنین طرز فکری رو داریم که بچه های ما باید در این دنیا موفق باشن و این حقیقت نداره. حقیقت نداره و باز هم میگم حقیقت نداره.

بهتون میگم این مسئله چرا انقدر مهمه. اینجا جاییه که کم کم خطرناک میشه چون ما به عنوان والدین می تونیم به بچه هامون بگیریم که نمره های خوب بگیرن و تو ورزش حرفه ای بشن و کلی تمرین کنن تا زدن این ساز و اون ساز رو یاد بگیرن. با بازی کامپیوتری که برایشون خریدیم بازی کنن و ساعت ها وقتشون رو بگذارن تا تو بازی کردن مهارت کسب کنن و اولویت ما میشه بردنشون سر تمرین های فوتبال و ژیمناستیک. بهشون میگیم باید برن کالج و با نمره ی عالی مدرک بگیرن و کار خوبی پیدا کنن و زندگی خوبی بسازن.

ما همه ی این چیزها رو بهشون یاد میدیم. ما هر روز با این کارها مشغولشون می کنیم ولی در حین انجام این کارها بهشون یاد نمیدیم خدا رو خدمت کنن. خدا کمکمون کنه اگر جوابمون اینه که به خاطر همین بچه ها رو می فرستیم کانون شادی و جلسه ی جوانان که همین کار رو برایشون بکنن. خیر! تربیت بچه از دیدگاه کتاب مقدس یاد دادن این به بچه هاست که چطور خدا رو خدمت کنن. و به این هدف نمی رسیم تا زمانی که مشغول تصمیمات و برنامه ریزی های خودمون هستیم. اگر پدرها بیشتر از اینکه به پسرهایشون یاد بدن چطور کتاب مقدس بخونن مشتاقن که یادشون بدن چطور فوتبال بازی کنن پس ما اصل ماجرا رو درک نکردیم.

اگر مادرها بیشتر از اینکه زن بودن از دیدگاه کتاب مقدس و زیبایی محو نشدنی روحی مهربان رو به دخترهایشون یاد بدن مشتاق یاد دادن اینکه چطور از لوازم آرایش استفاده کنن باشن پس ما اصل ماجرا رو درک نکردیم. و خطر اینه که یک روز پسرها و دخترهامون با همه ی این چیزهایی که ما بهشون یاد دادیم که مهم هم هستن مقابل خدا می ایستن و تک تک اون چیزهای خوب در آتش خواهد سوخت و بچه های ما در مقابل خدا مثل یک گدا خواهند ایستاد و همه ی اینها به خاطر عملکرد ما و به خاطر ماست.

قبول نکنین. نپذیرین. بچه هامون رو تحت فشار نگذاریم. بچه هامون رو در تصویری که جهان از موفقیت میده غرق نکنیم تا جایی که دیگه به تصویر خدا از موفقیت بی تفاوت بشن و اشتیاقی بهش نداشته باشن چون شهرت و پول و زندگی ای که ما دلمون می خواد توش نیست.

هدف تربیت بچه ها از دیدگاه کتاب مقدس کمک کردن به اونها برای عمل به فرمان بزرگه از آغاز کلام هدف تربیت از دیدگاه کتاب مقدس این بوده و هست.

خدا به قومش میگه "فرزندانتون رو جواری بار بیارید که من رو بشناسن و محبت کنن به من خدمت کنن و با زندگی هاشون من رو جلال بدن. طوری بزرگشون کنین که جلال من

رو به دیگران آشکار کنن. " واقعا این الگوی تربیتی ما هست؟ واقعا وقتی بهش خوب فکر می کنیم این الگوی تربیتیمون هست؟ حتی شاید بگیم " خوب' دلم می خواد که فکر کنم' اینطوره. " ولی ببینین چطور داریم بچه هامون رو راهنمایی می کنیم. الگوی تربیتی ما اینه؟

چطور می تونیم خدا رو جلال بدیم؟' بچه ی من چطور می تونه خدا رو جلال بده؟ آیا الگوی شما اینه؟ شک دارم که بگم هست. چون وقتی در کالج های متفاوت کنفرانس دارم' معمولا مکالماتی با دانشجو هایی دارم که می خوان به دور دنیا سفر کنن ولی والدین ایماندارشون اصلا حمایتشون نمی کنن. یک بار دیگه یادآوری می کنم' بچه های ما متعلق به ما نیستن. اونها مال خدا هستن و برای خدا و جلال خدا به وجود اومدن. نه برای ما؛ در واقع' حتی عیسی در لوقا باب 14 میگه' اگر پدر و مادرشون' خواهر و برادرشون رو نفرت نکنن' نمی تونن شاگرد مسیح بشن. ازشون انتظار داشت که او رو به خانواده ای که بهشون وصل بودن' ترجیح بدن.

تربیت بچه ها باید اونها رو به سمت ماموریتی که داریم هدایت کنه. نباید اونها رو از ماموریت دور کنه. پس حالا که خدا از روی فیضش و به خاطر جلال خودش بچه ها رو به ما داده' چطور اونها رو برای جلال خداوند بزرگ کنیم؟ همین یک آیه مسائل زیادی رو در خودش جا داده. چطور می تونیم به اعتمادی که خدا به ما کرده' وفادار باشیم؟ دقت کنین! ما می تونیم بچه هامون رو طوری بزرگ کنیم که دکتر' وکیل' تاجر و یا موزیسین های موفقی بشن. اما اگر به اونها یاد ندیم که به ما احترام بگذارن و از خدا اطاعت کنن' در تربیت اونها شکست خوردیم.

### فرمان های خدا برای والدین

پس' چطور باید به اعتمادی که خدا به ما کرده وفادار باشیم؟ قسمت آخر افسسیان 6: 4 میگه " آنها را با تعلیم تربیت خداوند بزرگ کنید. " بیاین قدم به قدم جلو بریم. آموزش فرمان های خدا برای والدین. شماره ی یک: کلام خدا رو به بچه هاتون آموزش بدین.

حالا به بخش آموزشی رسیدیم. حرف خیلی به جاییه. منظور از آموزش در این عبارت اینه که کلام خدا رو در ذهن و قلب بچه ها بنشونین تا برایشون باز بشه و درکش کنن.

حالا می خوام که حقیقتی که در باب 6 افسسیان وجود داره رو با تصویری که خدا از خانواده در آغاز خلقت داشته رو کنار هم بیاریم. مطلب افسسیان باب 6 رو همین جا نگه می داریم و بر می گردیم به تثنیه باب 6. تثنیه پنجمین کتاب از کتاب مقدسه.

جای دیگه ای که وقت نداریم الان بهش سر بزنیم و ازتون خواهش می کنم یادداشت کنین پیدایش 18:19 است. اینجا جاییه که خدا با ابراهیم درباره ی فرزندانش صحبت می کنه و این اولین باری هست که در کتاب مقدس درباره ی تعلیم دادن صحبت شده. اولین دستورالعمل درباره ی تعلیم دادن در این آیه و در بطن خانواده ذکر شده. خدا به ابراهیم میگه " ابراهیم' راه های مرا به فرزندانت بیاموز و فرمان های مرا به آنها تعلیم بده." پس اولین تصویری که از تعلیم دادن در کتاب مقدس داریم' پدریه که به پسران و دختران و خانواده اش داره تعلیم میده.

بعد به تثنیه باب 6 می رسیم. ببینیم چی میگه. تثنیه 6:4 بیانیه ی ایمان در عهد عتیقه. که به شاما هم معروفه. شاما به معنی شنیدن یا شنیده شدن هست. اگر زیر این آیه رو خط نکشیدین می خوام تشویقتون کنم که این کار رو بکنین. این بخش بسیار مهمی در عهد عتیقه. " بشنو' ای اسرائیل: یهوه' خدای ما' خداوند یکتاست." تثنیه 6:4 بیانیه ی ایمانه.

با توجه به آیه ی 5 که میگه " یهوه خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن." (تثنیه 6:5) خداوند تصویری به شما میده که کانون عهد عتیق به حساب میاد. حالا ببینیم بعد از این بیانیه ی ایمان چی میشه" و این سخنان که من امروز تو را امر می فرمایم' بر دل تو باشد." (تثنیه 6:6).

به آیه ی 7 گوش کنین" آنها را به دقت به فرزندانت بیاموز' و حین نشستن در خانه و رفتن به راه' و هنگام خوابیدن و برخاستن' از آنها گفتگو کن. آنها را چون نشان بر دست خود ببند و چون علامت بر پیشانیت بگذار. آنها را بر چارچوب در خانه ی خود و بر دروازه های خویش بنگر." (تثنیه 6:7-9). متوجه نکته شدین؟ این چیزیه که قبلا بهش اشاره کردم از همون آغاز راه اصلی شاگردسازی و گسترش کلام خدا از داخل خونه می گذشته.

" این است کلام من. خدا یکتاست. با تمامی دل و جان خدای خود را محبت کنید. حال همه ی اینها بر دل تو باشد و آنها را به دقت به فرزندانت هم بیاموز." معنی این عبارات چیه؟ معنی این عبارات برای امروز ما چیه؟ چطور می تونیم بچه هامون رو آموزش بدیم تا کلام خدا رو بدونن؟

خوب' معنی اول اینه که' ما باید تعهد شفاهی نسبت به کلام خدا در خونه هامون داشته باشیم. همین آیه ی 7 " آنها را به دقت به فرزندانت بیاموز' و حین نشستن در خانه و رفتن به راه و هنگام خوابیدن و برخاستن' از آنها گفتگو کن." (تثنیه 6: 7). همین آیه برای توضیح کافیه. اگر در منزلتون هستین درباره ی کلام حرف بزنین. اگر دور از منزل هستین باز هم درباره ی کلام حرف بزنین. وقتی بیدار میشین از کلام حرف بزنین. وقتی می خوابین از کلام حرف بزنین. همیشه از کلام خدا حرف بزنین؛ بیشتر از بیس بال و فوتبال و آرایش کردن و قرار مدار گذاشتن' از کلام خدا حرف بزنین.

نسبت به کلام خدا تعهد شفاهی داشته باشین. اینجا جاییه که باید بگم بهترین معلمین کلام پدرها و مادرهایی هستن که در کنار بچه ها بهشون خدمت می کنن. بهترین معلم کلام من نیستم. هیئت رهبری هم نیست. با استعدادترین معلمی که دوست دارین بشینین و حرف هاش رو گوش کنین هم نیست.

بهترین معلمین کتاب مقدس' پدران و مادران هستن. و این دلیلیه که چرا با اقتدار و اطمینان کامل این رو میگم. چون خدا اینطور خواسته. خدا خانواده رو طراحی کرده تا شما پدرها' اولین آموزگار کلام خدا در زندگی های بچه هاتون باشین.

پدرها و مادرها هر دو این کار رو می کنن و درباره اش حرف می زنن. پدر- مادرهای عزیز وزن بار سنگینی رو که دارین' حس می کنین؟ اگر اولین خوراک روحانی از کلام رو من یا خادم جوانان یا خادم کانون شادی یا هیئت رهبری به بچه هاتون بدن' مطمئن باشین بچه هاتون گرسنه می موندن چون به طور مداوم به این خوراک احتیاج دارن و اینطور برنامه ریزی شده که از شما دریافت کنن.

شما بهترین معلم کلام برای بچه هاتون هستین. چون خدا اینطوری طراحی کرده. پس همیشه از کلام حرف بزنین.

شوهران به بچه هاتون کلام رو آموزش بدین. چه بچه هاتون تو خونه چه بچه های محله. همسران و شوهران' مادران و پدران' در بطن منزل' این کار رو با هم انجام بدین. این چیزیه که تثنیه باب 6 به ما میگه.

نه تنها باید تعهد شفاهی نسبت به کلام داشته باشین بلکه دوم' باید متعدد بودنتون به کلام رو به صورت آشکار در منزل نشون بدین. حتی زمانی که هیچ کس جملات تثنیه باب 6 رو به شما نمیگه؛ شما می دونین مامان و بابا درباره اش حرف نمی زنن اما شما همه رو تو

ذهنتون دارین. حتی وقتی مامان و بابا نباشن' باز هم از این جملات خلاصی ندارین چون روی درها و صندوق پست و دروازه های خونه نوشته شدن. همه جا هستن. کلام همه جا حضور داره. چطور این کار رو بکنیم؟ آیا لازمه بعضی چیزها رو رو پیشونیمون مهر کنیم تا دیده بشن؟

خوب من این راه حل رو دور نمی ندازم ولی تصویری که در تثنیه باب 6 باهش روبرو هستیم اینه که کلام انقدر باید در خونه های شما آشکار باشه' انقدر باید وجودش عادی باشه که برای خانواده اتون حکم نفس کشیدن و زندگی رو داشته باشه. کلام بر هر گفتگویی در خانواده حاکم باشه. کلام بر هر جنبه ای از زندگی خانواده اتون تسلط داشته باشه. این چیزیه که باب 6 تثنیه میگه.

خدا به ما کمک کنه. چند نسل قبل به مرد به عنوان مسئول روحانی خانواده' نگاه می کردن. که آیا خانواده اش رو در پرستش هدایت میکنه' آیا باهشون کلام رو مطالعه می کنه' در دعا رهبریشون میکنه یا نه؟ امروز به مرد به عنوان مسئول روحانی خانواده' نگاه میشه اگر بتونه برای خانواده اش کلیسایی پیدا کنه که بهترین کادر کانون شادی و برنامه ی جوانان رو داشته باشه که مو لای درزش نره. اصل ماجرا رو فراموش کردیم.

دستورالعمل دوم' از آخر به اول' فرزندانتون راه های خداوند رو تعلیم بدین. بچه هاتون رو تعلیم بدین تا کلام خدا رو آشکار کنن. به عبارت دیگه' کمک کنین کلامی رو که باهش اونها رو تحت تاثیر قرار دادین' در وجودشون زنده بشه و بتونن کلام رو آشکار کنن. کلمه ای که اینجا برای تعلیم به کار رفته به معنی انضباط هست. این اختیاری ست که در زندگی ما به عنوان پدر و مادر به ما داده شده تا بچه هامون رو تربیت کنیم. چون اونها وقتی به دنیا میان خود به خود به ما احترام نمی گذارن و با زندگی هاشون مسیح رو جلال نمیدن' حقیقت اینه که مسئولیت تربیت و تعلیم دادن اونها با ماست تا این کار رو انجام بدن.

حد و حدود رو به بچه ها یاد دادن و آموزش اینکه در اطاعت از والدین زندگی کنن و به خدا احترام بگذارن' احتیاج به زمان و نظم داره. حقیقت اینه که وقتی این متن رو می خوندم از خودم می پرسیدم چرا تعلیم دادن به این شکل تو خونه ی ما نیست. شاید چون ما بچه هامون رو به اون شکلی که افسسیان باب 6 نشون داده' تربیت نکردیم' چون ما البته خیلی از ما ها در زندگی های خودمون هم کمبود انضباط روحانی رو داریم.

اینجا می خوام بهتون یادآوری کنم بچه های ما هرگز چیزی که نمی تونن ببینن نمیشن. این درباره ی خیلی از زمینه های زندگی ما صادق. به تیتوس 2: 12 نگاه کنین' درباره ی اینه

که چطور فیض خداوند به ما یاد میده خدانشناس باشیم و در خدانشناسی رشد کنیم تا بتونیم به دیگران هم منتقلش کنیم. این الگویی که داریم. پس کاملا واضحه که نمی تونیم چیزی رو که خودتون نمی دونین به بچه هاتون آموزش بدین.

اگر این واقعیت داشته باشه پس شوهران' پدران' مادران و همسران وقتشه کنترل رو به دست بگیرین. به یک راه ساده بر اساس موضوع این باب فکر کنین. بعد از افسسیان 5: 22-23 به باب 6 اومدیم. در جلسه ی قبل درباره ی این دو آیه حرف زدیم که میگه ' شوهران سر خانه هستن و همسران معاون اونها هستن. اگر این رو فراموش کردین معنیش اینه که زنگ خطر رو باید به صدا در بیارین. برگردین و به موعظه ی جلسه ی قبل گوش کنین.

شوهران سر خانه هستن و همسران باید از شوهرانشون' اقتدار همراه با محبتشون و محبت فداکارانه اشون' اطاعت کنن. حالا می خوام به این فکر کنین که این رابطه چطور به رابطه ی ما با فرزندانمون وارد میشه. اگر زن خونه الگوی اطاعت از اقتدار با محبت شوهرش نباشه' دیگه برای بچه شنیدن اینکه" باید به عنوان فرزند از اقتدار همراه با محبت شما به عنوان والدین' اطاعت کنه." خیلی منطقی به نظر نیاد.

همچنین اگر ببینن پدر و مادر درباره ی همدیگه بدگویی می کنن' اگر بشنون که پدر و مادر درباره ی مسئول' کارفرما و رئیسشون یا درباره ی رهبران جامعه و رهبران کلیسا بدگویی می کنن' پس نباید تعجب کنیم که بچه هامون به اقتدار ما در زندگیشون روی خوشی نشون ندن. آیا درک می کنین چی میگم؟

این فقط یک مثال ساده از مفهوم باب 5 افسسیان بود' ولی حقیقت اینه که اونها چیزی که نتونن ببینن' نمیشن. لازمه که این الگو رو در ما ببینن نه به خاطر اینکه چیزهایی که در افسسیان باب 5 و 6 گفته شده رو اجرا کرده باشن' بلکه برای اینکه لازمه که مفهوم این باب ها رو درک کنن. این رو فراموش نکنین. این زمانی اتفاق می افته که رابطه ی ما با خدا در بهترین حالتش باشه. بچه های ما باید ببینن که اطاعت از اقتدار محبت آمیز خدا یعنی چی.

می دونین که بچه های من خیلی کوچیکن. دو ساله و شش ماهه. اونها من رو به عنوان پدر می شناسن قبل از اینکه خدا رو به عنوان پدر بشناسن. در نتیجه هر جور که من بهشون نشون بدم پدر چه کسیه' تاثیر بسیار زیادی روی روزی داره' که من دعا می کنم از خدا به عنوان پدر اطاعت کنن.

اطاعت همسر از من همراه با رهبری محبت آمیز من به بچه هامون یاد می‌ده که چطور به عنوان کلیسا باید از مسیح اطاعت کنیم. به همین خاطر این مسئله انقدر مهمه. نه فقط به خاطر خودمون بلکه به خاطر جلال خداوند.

خطری در این نوع تربیت کردن وجود داره. این قسمت یکی از اون بخش‌هاییه که من تصور می‌کنم چرا از تمام فرمان‌هایی که می‌تونست به والدین بده می‌گه "ای پدران فرزندان خود را خشمگین مسازید بلکه آنها را با تعلیم و تربیت خداوند بزرگ کنید." (افسیان 6: 4). معنی این چیه؟ چرا از بین تمام چیزهایی که می‌تونست بگه این رو می‌گه.

### هشدار ی به والدین...

معنی اینه که این هشدار ی به والدینه در تربیت کردن بچه ها' تعلیم دادنشون' بچه هاتون رو با محبت تربیت کنین تا به سمت خدا هدایت بشن' نه با خشم که اونها رو از خداوند دور کنه. می‌تونیم مناظره های مختلفی درباره ی اینکه چطور بچه ها رو تربیت کنیم داشته باشیم. می‌تونم همین الان چند تا مسئله ی حاد رو مطرح کنم و با خیلی از مردم درگیر بشم.

بحث و گفتگو های زیادی در مورد تربیت کردن وجود داره. سوال اینه که چرا به تربیت کردن حکم شده؟ در افسسیان 6: 1 گفته نشده: "والدین از فرزندانتون در خداوند اطاعت کنین و خونه اتون رو آروم کنین." چرا تربیت کردن؟ و واقعیت اینه که ما بچه هامون رو تربیت می‌کنیم چون می‌خوایم بچه هامون رو به سمت خدا هدایت کنیم نه اینکه از خدا دورشون کنیم.

حالا به این فکر کنین که وقتی به انگیزه ی تربیت کردن و انضباط در زندگی بچه هامون می‌رسیم. این چیزیه که کلام می‌گه. من نمی‌گم. به 15 ماه تجربه ی من در تربیت بچه گوش کنین و یاد بگیرین. وقتی به تربیت کردن می‌رسیم کلام به ما می‌گه نوعی از تربیت کردن هست که روح خشم رو در بچه های ما تحریک می‌کنه.

خوب معلومه که تا اندازه ای اینطوره. مسلماً هیچ بچه ای از تربیت شدن و تادیب خوشش نمیاد. به عنوان یادآوری یک جا یادداشت کنین هیچ بچه ای. میتونین امروز برین خونه و وقتی والدینتون ازتون خواستن کاری بکنین یا بهتون دستور دادن کاری رو بکنین که دوست ندارین بکنین' عصبانی بشین و بگین' مامان' بابا شما ها خلاف افسسیان باب 6 رفتار



کردین چون من عصبانیم. این درست نیست. این سوءاستفاده از کلامه. حتی تصورش هم نکنین. این تعلیم افسسیان باب 6 نیست.

در عوض می‌گه ما بچه هامون رو به خاطر اینکه از الگوی ما برای زندگی کردن پیروی نمی‌کنن' با خشم تادیب نمی‌کنیم. شما با محبت اونها رو ادب می‌کنین چون الگوی خدا برای زندگی هاشون رو گم کردن. تفاوت زیادی وجود داره. چون در عبرانیان باب 12 یک نوع تادیب رو داریم. تشویقتون می‌کنم که عبرانیان باب 12 رو بخونین. درباره ی تادیب خداونده. باب 12 رو بخونین و از خودتون بپرسین "خدا چطور من رو تادیب می‌کنه؟" و بعد بگین "حالا این چطور به من یاد میده که بچه ی خودم رو ادب کنم." عبرانیان باب 12 بهتون کمک خواهد کرد.

این تادیب محبت آمیزه. حقیقت اینه که ما نمی‌خوایم بچه هامون رو ادب کنیم چون می‌خواین چیزهایی تو زندگیشون تحت کنترل ما باشه' هر چند که لازمه در جاهایی محدودشون کنیم؛ ولی نه. ما بچه هامون رو تربیت می‌کنیم چون خدا گفته اطاعت از والدین کار درسته.

چرا خدا چنین چیزی رو گفته؟ چون خدا می‌دونست که بچه ها نیاز دارن نمونه روشنی از اقتدار رو در زندگیشون ببینن و علیه اش شورش نکنن. تا یاد بگیرن سرکشی کردن در برابر قدرت درست نیست چون وقتی خدا رو بشناسن باید بدونن سرکشی کردن در مقابل قدرت خدا اصلا خوب نیست. به نظر شما منطقیه؟

ما می‌خوایم با محبت به اونها تعلیم بدیم تا وقتی ناطاعتی کردن' ادب بشن و یاد بگیرن که به راه درست برگردن و یاد بگیرن وقتی خداوند تادیبشون می‌کنه نباید در برابرش شورش کنن. در برابر قدرت سرکشی نکنن. در عوض دوباره به راه درست برگردن که خدا می‌گه بهترین چیز برای اونهاست.

پس تربیت کردن بچه ها با محبت اونها رو به سمت خدا هدایت میکنه؛ نه با خشم که اونها رو از خدا دور کنه. خدا به پدرها و مادرها می‌گه "شما در برابر من پاسخگو خواهید بود. اگر روح خشم رو در فرزندانتون بیدار کنین. اگر روح خشم در بچه های شما وجود داشته باشه ناشی از خشمیه که شما در هنگام تربیت کردن و تادیب اونها از خودتون نشون دادین." "با فرزندانتون خشن نباشید." این چیزیه که افسسیان باب 6 به ما هشدار میده و می‌گه خیلی خیلی مراقب باشین.

آرزو می کردم در این لحظه پدرم اینجا بود تا این رو برام توضیح می داد. اون من رو تربیت کرد. کاملاً واضح لحظه های تلخ و مقتدرانه ی تربیت پدرم رو یادمه. در عین حال هیچ وقت به اینکه پدرم بزرگترین حامی منه شک نداشتم. اون من رو تربیت کرد تا بزرگ بشم تا با محبتی بنا بشم که من رو به پدر آسمانیم برسونه.

به همین دلیل چیزی رو که کلام گفته به بچه هامون یاد میدیم و تا تحت تاثیر کلام آموزش ببینن. تا کلام خدا رو در عمل بهشون نشون بدیم و با تربیتی محبت آمیز تعلیمشون بدیم تا به سمت خدا هدایت بشن. نه با خشم که از خدا دور بشن.

## فرزندان...

حالا می رسیم به بچه ها. صحبتی با بچه ها دارم و می خوام تشویقشون کنم که اگر با من موافق نیستن باز هم همراه من باشن. بچه های پنج- شش ساله هفت - هشت ساله دانش آموزهای دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی و دانشجویهای کالج. بچه ها! من این تصویری که در باب 6 افسسیان اومده رو خیلی دوست دارم. به طور خاص به بچه ها اشاره کرده. واضحاً میگه " بچه ها شما باید این کار رو بکنین." می خوام بهتون یادآوری کنم در افسسیان باب 6 کلام خدا به شما چی میگه.

### شما توسط خدا آفریده شدین

یک "شما توسط خداوند آفریده شدین" به نظر خیلی ساده میاد. واقعا ساده ست ولی می خوام که با من باشین چون از نظر ساختاری مورد بسیار مهمیه. و قراره برگردیم و بگیم چرا اینقدر مهمه.

### شما در مقابل خدا مسئول هستین

دو "شما در مقابل خدا مسئولین شما در مقابل خدا مسئولین." از والدین خود در خداوند اطاعت کنید. (افسیان 6: 1). به عبارت دیگه خدا میگه " این قانون منه. این درسته. این یک توصیه نیست. این چیزیه که حکم کردم."

حالا می خوام خیلی خیلی خیلی خوب به من گوش کنین اگر که نوجوون هستین' فرزندم! لطفا با دقت گوش کن چون تو در فرهنگ زندگی می کنی که خودخواه و سعی می کنه بهت بقبولونه که تو مرکز این عالم هستی و تو هدف پرستش خودت هستی و زندگی اینه که چه چیزی برای تو خوبه و به نفعته. این چیزیه که مردم بیلیون ها دلار خرجش می کنن تا تو باورش کنی و این حقیقت نداره.

بچه ها' دانشجوها' شما در برابر خداوند این عالم مسئول هستین. او شما رو آفریده و برای زندگیتون به خدا پاسخگو هستین. پس وقتی به این بخش نگاه می کنیم بدونین - به این دلیل گفتیم که مهمه- این بخش فقط درباره ی رابطه ی شما با مامان و بابا حرف نزده.

این بخش درباره ی رابطه ی شما با مامان و بابا ست که روی رابطه اتون با خدا تاثیر می گذاره. هیچ وقت نمی تونین رابطه اتون با مامان بابا رو از رابطه اتون با خدا جدا کنین. واکنشی که به پدر و مادرتون نشون میدین نشان دهنده ی واکنشتون به خدا هم هست. می خوام به این موضوع توجه کنین چون چیزی که اینجا گفته شده فرمانی هست که به فرزندان داده شده. و موضوع اینه که بچه ها مسئول چه چیزهایی هستن.

### فرمان هایی برای فرزندان...

فرمان شماره یک: با رفتار تون به والدینتون احترام بگذارید. اینجا جاییه که خیلی واضح داره میگه " فرزندان' به والدینتون احترام بگذارید' قدرشون رو بدونین' براشون ارزش قائل باشین' محبتشون کنین." پس برای بی احترامی به والدین در برابر خداوند گزینه ای وجود نداره. در هیچ شرایطی پذیرفته نیست. این نمونه ایه که داریم.

افسسیان باب 6 این رو از ما می خواد. البته یک مقدار نرم تر برخورد می کنه نسبت به عهد عتیق. عهد عتیق خروج باب 21 میگه " هرکس پدر و مادر خودش رو بزنه باید بمیره." خدا در این مورد خیلی جدیه. مسئله ی خیلی مهمیه برای خدا.

افسسیان باب 6 به همه ی بچه ها و نوجوون ها میگه " آیا در قلب خودتون' در زندگیتون درستکار هستین؟ آیا به پدر و مادرتون احترام می گذارین؟ وقتی به والدینتون فکر می کنین آیا قلبتون سرشار از احترام برای اونها میشه؟ بهشون افتخار می کنین؟ ارزشمند هستن براتون؟" و شما جواب میدین " از کجا بدونم؟"

به دومین فرمان می‌رسیم، با عملکردتون از والدینتون اطاعت کنید. چطور می‌تونین بگین که احترام می‌گذارین یا نه؟ برگردین به آیه ی 1. ببینین شما این کار رو می‌کنین" از والدین خود در خداوند اطاعت کنید."

این یک فرمان عالیه. این یک کلمه ترکیبی در عهد جدید به این معنی که دو تا کلمه رو کنار هم قرار میده. کلمه اول " شنیدن" ست. کلمه دوم " تحت سلطه بودن" ست. پس معنی لغویش میشه گوش کردن تحت سلطه و به دو چیز اشاره داره.

اطاعت کردن از والدین شامل چه چیز هایی میشه؟ یک 'گوش کردن به اینکه چی میگن'. این خیلی مهمه. من خیلی از دنیای نوجوونی دور نشدم که چیزی یادم نیاد. یک کلید خاموش- روشن در نوجوون ها وجود داره که زمانی که بخوایم خاموشش می‌کنیم می‌دونی! مثلا باهامون دارن حرف می‌زنن ولی ما اصلا گوش نمیدیم. ولی خدا میگه گوش بدین. به نصیحت های والدینتون گوش بدین' به حرف هاشون' به دستور اتشون گوش بدین. خدا میگه این کار نام من رو جلال میده. حرف های والدینتون رو بشنوین.

دو' تحت سلطه بودن هست' منظورم اینه که' وقتی پیششون هستین' کاری رو که بهتون میگن' انجام بدین. پس شما با عملکردتون از والدینتون اطاعت می‌کنین؛ با گوش کردن و انجام دادن چیزهایی که میگن. خیلی ساده است؟ نه! اصلا وانمود نمی‌کنم که کار ساده و راحتی. و همیشه قابل درکه.

حتی نمیگم خدا گفته از هر کاری که والدینتون میگه انجام بدین خوشتون میاد. در واقع پیامد این قضیه ی تعلیم و تربیت' بهترین خبر دنیا برای شما نیست' ولی گوش کنین بچه ها. خدا از شما انتظار داره به خاطر اطاعت از والدینتون' کارهایی بکنین که دوست ندارین انجامشون بدین. خدا ازتون انتظار داره و بهتون فرمان میده که به خاطر اطاعت از والدینتون کارهایی رو بکنین که دوست ندارین انجامشون بدین.

تصویری که داریم اینه' به پدر و مادرتون احترام بگذارین' از والدینتون اطاعت کنین و هیچ پانویسی در افسسیان باب 6 وجود نداره که گفته باشه" اگر فکر کردین دیوونه شدن" ... یا " اونها نمی‌فهمن تو زندگی شما چی می‌گذره" می‌تونین ناطاعتی کنین. تبصره ای وجود نداره. پانویسی هم نیست. ازشون اطاعت کنین. کولسیان 3: 20 میگه" در همه چیز از والدینتون اطاعت کنین." بدون جر و بحث' بدون بهانه و بدون تاخیر از والدینتون اطاعت کنین.

## هشدار ی برای فرزندان...

خوب اینم دلیلی برای این هشدار و اینکه چرا باید این هشدار رو جدی بگیرین. لطفا همه ی بچه ها خوب گوش کنن. بی احترامی و ناطاعتی از والدین سرکشی کردن در مقابل خداست.

فقط یک استثنا در این مورد وجود داره. اگر والدین شما چیزی از شما خواستن که کلام خدا به شما گفته انجام ندین و خلاف اراده ی خدا در کلامش باشه. کلام هیچ وقت به ما نمیگه از خدا ناطاعتی کنیم. بله این ممکنه. مخصوصا در خونه های غیر مسیحی ولی بعضی وقت ها در خونه های مسیحی ها هم این مسائل دیده شده.

کلام نمیگه با اطاعت از خدا خلاف کلام خدا عمل کنین. این اصلا خدا رو راضی نمی کنه ولی خدا میگه ارتباط این دو با هم رو فراموش نکنین. به عهد عتیق نگاه می کنین. کتاب مقدس میگه ناطاعتی از والدین برابر با خیانت و پرستش بت هاست.

حالا به آخر باب 1 رومیان نگاه کنین ناطاعتی از والدین هم ردیف گناهان زشت و فجیع دسته بندی شده. این مسئله برای خدا خیلی جدیه. معنیش اینه که اگر هفت سالتونه نه سالتونه شش سالتونه و به حرف مامان و بابا گوش نمیدین یعنی به حرف خدا گوش نکردین.

هفته ساله ها شونزده ساله ها 18 ساله ها 14 ساله ها اگر تصمیم گرفتین به خاطر مسئله ای رو در روی پدر و مادرتون دربیاین پس تصمیم گرفتی در مورد اون مسئله مقابل خدا هم بایستین. به خاطر همین... افسسیان باب 6 میگه "از والدینتون اطاعت کنین. به پدر مادرتون احترام بگذارید." چون این مسئله ی خیلی خیلی مهمیه برای خدا.

برگردین به عهد عتیق به ده فرمان نگاه کنین و می بینین که چهار فرمان اول به رابطه ی ما با خداوند اشاره داره. شش فرمان بعدی به رابطه ی ما با همدیگه اشاره داره. اولین فرمان از قسمت دوم ده فرمان که به رابطه ی ما با هم اشاره داره قبل از دروغ نگو دزدی مکن قتل مکن اطاعت از والدین اومده. مهمترین فرمان در این قسمت اطاعت از والدینه.

## دو وعده...

کلمه ی سنگینیه. که دنبالش سوال میشه " چرا؟ واقعا چرا؟" می خوام بهتون یادآوری کنم که بزرگترین حسرت و پشیمونیه من در زندگیم زمان هایی بوده که به پدر و مادرم بی احترامی کردم یا ازشون اطاعت نکردم. و هیچ وقت از اطاعت کردن ازشون پشیمون نشدم. این به خاطر وعده ایه که در افسسیان باب 6 به ما داده شده.

### همینطور که در روابط پدر-فرزندی به مسیح احترام می گذاریم خدا میگه...

این کارها رو انجام بدین" تا سعادت مند باشی و بر زمین عمر طولانی کنی." (افسسیان 6:3). یک وعده ی دو قسمتی. همینطور که در روابط پدر – فرزندی به مسیح احترام می گذاریم خدا میگه یک" من زندگی شما رو سعادت مند می کنم. همه چیز در زندگی شما عالی خواهد بود.

خدا در افسسیان باب 6 به بچه ها میگه" از والدینتون اطاعت کنین. نه به خاطر من بلکه به خاطر خودتون. چون برای خودتون خوبه." به خاطر همین گفتم خدا شما رو آفریده. خدا می دونه بهترین برای شما چیه. و این خبر خوبیه. خدا نمی خواد سال های نوجوونیتون رو خراب کنه. نمی خواد زندگیتون رو نابود کنه. این شما باید که این کار رو می کنین. طبیعت گناه آلود که در عمق شخصیت شماست می خواد بیرون بیاد و شما رو از سعادت مندی و رضایتی که خدا براتون در نظر گرفته دورتون کنه.

پس از کلام خدا بترسید چون حقیقت داره و راضی خواهید بود. رضایتی خواهید داشت که از هر چیز دیگه در این دنیا بهتره. موقتی نیست. سعادت ابدی قدم زدن با خدای این عالم هستی ست.

خدا میگه همه چیز خوب خواهد بود برای شما. بعد میگه"... و بر زمین عمر طولانی کنی." (افسسیان 6:3). خوب اگر این قسمت از آیه رو از زمینه ی اصلیش در عهد عتیق جدا کنیم دچار سوء تعبیر میشیم. این آیه نمیکه اگر از پدر و مادرت اطاعت کنی 80 سال عمر می کنی. خیلی ها هستن که از والدینشون اطاعت نکردن مخصوصا وقتی جوون بودن. پس مسئله این نیست. و یادتون باشه خیلی راحت میشه ازش سوء استفاده کرد.

خروج باب 20 و تثنیه باب 5 دو قسمت از کتاب مقدسه که فرمان ها رو میشه اونجا ها پیدا کرد. این فرمان و وعده به قوم خدا داده شدن. و خدا بهشون میگه" به من احترام بگذارین. فرزندان از والدینتون اطاعت کنین. والدین فرزندانتون رو محبت و هدایت کنین' تربیتشون کنین و تعلیمشون بدین و اینطوری همه چیز برای شما خوب خواهد بود و عمر

طولانی بر زمین خواهید داشت." به عبارت دیگر، زندگی شما و کلامی که از نسلی به نسل بعد می رسونین همینطور در نسل های بعدی هم ادامه خواهد داشت.

می خوام بهتون بگم چرا اینقدر این مسئله مهمه. وقتی به سابقه ی کلیساهای ایالت متحده آمریکا و اروپای غربی در 100 سال گذشته نگاه می کنین می بینین که مثل این کلیسا همه پر رونق و پر جمعیت بودن و امروز شاهد ساختمان های خالی و در هم شکسته در سراسر کشور و اروپای غربی هستیم. در چند نسل همه چیز از بین رفته.

خدا میگه طبق الگوی افسسیان باب 6 زندگی کنین' چرا؟ چون ما می خوام که کلام از نسلی به نسل بعد منتقل بشه و شما نمی خواین که گسترش کلام در نسل شما متوقف بشه. پس پدرها و مادرها بلند شین و در صف کسانی باشین که این کلام رو به نسل بعد منتقل می کنن. خدا میگه "اگر این کار رو بکنین' سعادت مند خواهید بود." و دوم "من میراث شما رو چند برابر می کنم." کلام خدا از طریق شما و خانواده ی شما زنده می مونه' ولی اگر این کار رو در خونه هاتون نکنین دووم نمیارین. به عنوان انسان دووم نمیارین اگر کاری که خدا گفته رو انجام ندین.

منظورم این نیست که کلیسا کاملا محو میشه. چنین اتفاقی نمیوفته. کلام خدا تا به آخر پابرجاست. هیچ شکی در این نیست' ولی آیا ما یا بچه های ما یا بچه های ما شامل این این واقعه میشن یا نه بستگی به ارتباط و تاثیر ما بر روی فرزندانمون' طبق افسسیان باب 6 هست.

این کاریه که می خوام بکنین. می خوام یک دعا بنویسین. و می خوام درخواستی ازتون بکنم.

بچه ها' نوجوون ها و دانشجوها' می خوام دعوتتون کنم که در چند دقیقه باقی مونده دعایی بنویسن برای والدینتون و مخصوصا برای رابطه اتون با والدینتون. طبق افسسیان باب 6 برای اونها و برای رابطه اتون با اونها دعا کنین.

والدین' می خوام دعوتتون کنم که در زمان باقی مونده برای بچه هاتون و برای رابطه اتون با بچه هاتون دعایی بنویسین. زمان بگذارید برای این کار. می دونم خیلی از والدین هنوز بچه دار نشدن. شاید خدا نخواه که فرزندان بیولوژیکی داشته باشین الان. درباره ی فرزندان روحانی در جلسه ی آینده صحبت خواهیم کرد. و اینکه این موضوع در عهد جدید خیلی قوی دنبال میشه. افرادی که به نوعی در زندگیشون تاثیر دارین. تشویقتون می کنم که

براشون دعا کنین و با به جای والدین و بچه هایی که در زندگیتون هستن بخواین دعایی بنویسین.

شاید والدینتون با شما نباشن. شاید حتی مسیح رو هم نمی شناسن. می خوام دعوتتون کنم تا برای اونها هم دعا کنین و دعایی براشون بنویسین. امروز می خوایم که افسسیان باب 6 حقیقت زندگی های ما و خانه های ما بشه. تا زمان داریم می خوام که این دعا ها رو بنویسین.

مجوز رسمی:

شما مجاز هستین و ما تشویق میکنیم که این مطالب را تکثیر و توزیع نمائید. یادآوری میکنم که هیچ گونه تغییری در محتوی این مطالب مجاز نیست. لطفاً در پایان نسخه های تکثیر شده این عبارت را قید نمائید.

By David Platt. © David Platt & Radical.Website:Radical.net

© David Platt 2008